

پایان کار سرباز فداکار وطن

۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳ ساعت ۲۰:۴۳

حسین مکی خود پیرامون اختلافاتش با مصدق در جایی گفته بود «من با مصدق عقد زناشویی نبسته بودم که مجبور باشم تا پایان عمر بر آن پایبند باشم... عقیده داشتم و دارم که او برخلاف نهضت ملی قدم برداشت و من نتوانستم با او همکاری کنم.»

اگر بخواهیم عوامل پیروزی مصدق در نهضت ملی نفت و قیام ۳۰ تیر را به دقت واکاوی کنیم باید بگوییم او ضمن بهره‌مندی از هوش و ذکاوت سیاسی، از همراهی ملیون و مذهبیون چون آیت‌الله کاشانی، حسین مکی، مظفر بقایی و... برخوردار بود. مصدق با همراهی دوستان خود که بسیاری از آنان عضو جبهه ملی نیز بودند، توانست در جنبش‌هایی چون جنبش ۳۰ تیر ۱۳۳۱ پیروز میدان گردد. اما این وضعیت چندان پایدار نبود و بتدریج فصل جدیدی از اختلافات میان مصدق و برخی از دوستان او همچون حسین مکی پیدا شد و بیراه نیست اگر گفته شود این اختلافات بر شکست مصدق در کودتای ۲۸ مرداد تأثیر بسزایی داشت. با این مقدمه کوتاه، سؤال مهمی که در این رابطه مطرح است این است که علت اختلاف مصدق و مکی چه بود؟

مکی و همراهی او با مصدق

نقطه عطف آشنایی حسین مکی و دکتر مصدق در مجلس پانزدهم اتفاق افتاد. همزمان با تشکیل مجلس شانزدهم، مکی همراه با دکتر مصدق در اعتراض به نبود آزادی در انتخابات دست به تحصن زد و اعتراض خود را بدین شکل نشان داد. همچنین «وی که در مجلس پانزدهم و شانزدهم به همراه بقایی و حائری زاده اقلیت مجلس را تشکیل میدادند، توانستند با وجود اصرار دولت ساعد، مانع از تصویب قرارداد گس گلشانیان شوند.»^۱ مکی همچنین از جمله افرادی بود که در مجلس شانزدهم به حمایت از دکتر مصدق از نهضت ملی شدن نفت سخن راند و بر ضرورت تحقق این قانون تأکید کرد. او در همراهی با مصدق و دفاع از ملی شدن نفت تا جایی پیش رفت که به سرباز فداکار وطن ملقب شد. مکی تا پایان نهضت ۳۰ تیر در کنار مصدق ماند و از او حمایت کرد و چه بسا بتوان با جرأت گفت که حمایت او و سایر همزمانش نقش مهمی در پیروزی این نهضت داشت. با این حال، مکی و مصدق خیلی زود به اختلافاتی برخوردند و بتدریج مسیر خود را از هم جدا کردند. این اختلافات دلایل متعددی داشت.

علل اختلافات مصدق و مکی

حسین مکی خود پیرامون اختلافاتش با مصدق در جایی گفته بود «من با مصدق عقد زناشویی نبسته بودم که مجبور باشم تا پایان عمر بر آن پایبند باشم... عقیده داشتم و دارم که او برخلاف نهضت ملی قدم برداشت و من نتوانستم با او همکاری کنم.» مکی در کتاب خاطراتش نیز بارها به موضوع اختلافش با مصدق اشاره کرده و جالب است که در آنجا به صراحت عنوان نموده ۵

بار با مصدق دچار اختلاف شده است. در مورد اول، عنوان می‌کند که علت قطع رابطه‌اش با مصدق، همراهی او با دکتر متین دفتری در سفر به آمریکا بود که مکی مخالف این ماجرا بوده و از این رو مدتی رابطه خود با مصدق را قطع می‌کند؛ اما گویا خود دکتر مصدق برای آشتی و ارتباط مجدد پیشقدم شده و با او صحبت می‌کند. دومین بر سر عزل رئیس دبیرستان البرز بود که با مخالفت و اعتصاب دبیرستان البرز همراه می‌گردد و دلیل آن هم انتصاب فردی بود که سوابق خوبی نداشت. از این رو مکی به نمایندگی از دبیرستان البرز مأمور می‌شود تا حکم عزل آن فرد را از مصدق بخواهد که مصدق مخالفت کرده و اعلام می‌کند اختیاری در این زمینه ندارد.

جدایی مکی و مصدق برای سومین بار در زمانی اتفاق افتاد که مکی درصدد جلوگیری از استعفا و ایراد نطق مصدق برمی‌آید، اما در نهایت به مجادله کشیده می‌شود.^۲ مکی در ادامه توضیحات خود پیرامون اختلافش با دکتر مصدق به دو مورد دیگر هم اشاره می‌کند که آن دو مورد هم پیرامون برخی از انتصابات دکتر مصدق بعد از قیام ۳۰ تیر بود. با این حال جدا از این موارد به طور کلی، رویکرد خاص دکتر مصدق بعد از قیام ۳۰ تیر و البته دسیسه‌چینی دشمنان باعث شد بتدریج میان مصدق و دوستان او اختلافاتی بروز کند. بر این اساس «مصدق هنگامی که در ماه‌های پس از سی تیر با اطمینان از شکست شاه و انگلیس، به تغییرات اجتماعی بنیادی دست زد، پشتیبانی جناح سنتی جبهه را از دست داد. هنگامی که وزارت کشور و وزارت راه را به رهبران غیر مذهبی حزب ایران... واگذار کرد، قنات آبادی و دیگر رهبران مذهبی جبهه ملی نسبت به آینده اظهار نگرانی کردند.»^۳ در همین راستا موضوع دولتی کردن برخی از نهادها نیز مطرح می‌گردد که این موضوع نیز با واکنش تند کسانی چون مکی روبرو می‌شود. چنانچه «هنگامی که وزیر راه ملی کردن شرکت اتوبوسرانی تهران را پیشنهاد کرد، مکی هشدار داد که چنین اقدامی زمینه‌ای فراهم خواهد ساخت تا دولت همه مشاغل کوچک، حتی بقالی‌ها را هم به دست گیرد. به نظر او، نتیجه چنین روندی گرفتارشدن کشور به سرنوشت اتحاد شوروی بود که دولت همه چیز را در اختیار دارد و شهروندان چیزی از خود ندارند.»^۴ این موضوع نشان دهنده آن است که مکی، اختیارات مصدق در عزل و نصب افراد را چندان قبول نداشت و در مواردی آن را ناشی از غرور و اختیار بیش از حد مصدق می‌دانست. از نظر مکی این اختیارات در مواردی از قدرت چرچیل در جنگ جهانی دوم هم بیشتر شده بود و با اصول حکومت دموکراتیک در تضاد بود.

در نهایت این مسائل صدای اعتراض مکی و برخی از هم‌زمان قدیمی مصدق همچون آیت‌الله کاشانی را درآورد و باعث شد تا مکی طی نامه‌ای برخی از انتصابات دکتر مصدق مورد اعتراض قرار دهد؛ اما پاسخ مصدق به این اعتراضات بسیار تند و شدید بود و همین موضوع کدورت مکی از مصدق را به دنبال داشت. مکی هم در واکنش به پاسخ مصدق، ضمن اعلام انتقادات خود، عنوان نمود اگر کمک‌های او و اشخاصی چون آیت‌الله کاشانی نبود، نهضت ملی شدن و قیام ۳۰ تیر هیچ‌گاه به پیروزی نمی‌رسید. با این حال علیرغم این اختلافات دو طرف احترام زیادی برای یکدیگر قائل بودند و حتی بعد از بروز اختلافات، همکاری‌های محدودی میان مکی و مصدق صورت گرفت. مکی بعد از کودتای ۲۸ مرداد بارها به حمایت از مصدق پرداخت و گویا وقتی گزینه اعدام مصدق مطرح می‌گردد، مکی از جمله افرادی بود که سخت با آن مخالفت نمود و این مخالفت‌ها در نهایت تأثیر لازم را گذاشت. در نهایت بعد از کودتا مکی و «اشخاصی از مبارزین قبلی از جمله دکتر بقائی، مشار و علی زهری جمع شدند... و از آنجا که از نظر دولت زاهدی مثل همراهان دکتر مصدق در وضع اتهام قرار نداشتند و در جریان نهضت هم از پیشروان شاخص محسوب می‌شدند، به همین جهت برای خود قائل به تکلیف بودند»^۵ و از این رو توانستند در برخی از مسائل مهم کشور از جمله موضوع تجدید روابط با انگلیس، مواضع خاصی اعمال نمایند.

فهرست منابع

۱. سیدجلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفدهم، ۱۳۹۱، ص ۳۴۲.
۲. حسین ملکی، حسین، دولتمردان ایران و ساختار نمادها در عصر مشروطه، تهران، اشاره، ۱۲۷۰، صص ۴۵۶ - ۴۵۷
۳. پروانده آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نشر نی، ۱۳۹۲، ص ۳۳۹
۴. آبراهامیان، همان، ص ۳۳۹
۵. مدنی، همان، ص ۵۳۲

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۴۹۶۴۹/کار-سرباز-کار-پایان>